

از تشریح‌های غیر قانونی تا جنایات نازی‌ها؛ نگاهی به ۹ آزمایش پزشکی غیر اخلاقی تاریخ - دیجیاتو

رسول خردمندی | دوشنبه، ۱۸ شهریور ۱۳۹۸

علوم پزشکی و افرادی که در این حیطه مشغول به کار هستند، همگی قسم خورده و موظف به نجات جان انسان‌ها هستند اما دانشمندان و پزشک‌هایی نیز در طول تاریخ بوده‌اند که برخلاف هوش و حس کنجکاوی دیوانه‌واری که داشته‌اند، آزمایش‌های غیراخلاقی و خبیثانه‌ای در پیش گرفتند. پیش از این یادداشت، افراد شناخته شده از این حیث را [معرفی کردیم](#). این بار قرار است به سراغ معرفی آزمایش‌های وحشتناک برویم. آزمایش‌هایی که اغلب دولت و سازمان‌های خصوصی روی موفقیت‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند. برای نمونه در دهه ۱۹۴۰ میلادی دولت ایالات متحده بابت آزمایش‌های غیراخلاقی در گواتمالا، در ملا عام عذرخواهی کرده‌اند.

پروژه سربسته و مخفیانه گواتمالا تنها یکی از آزمایش‌های ظالمانه در پوشش پزشکی بوده که خبرش پس از ۴۰ سال، بالاخره پخش شد. برخی از این آزمایش‌ها البته سهوی بوده و دانشمندان سو نیتی نداشته‌اند اما برخی دیگر کاملاً تعمدی و از روی قصد و غرض انجام شد. در این یادداشت قرار است با ۹ آزمایش پزشکی غیر اخلاقی تاریخ بیشتر آشنا می‌شویم.



جدا کردن سه قلوها

دانشمندان در حیطه روان‌شناسی، آزمایش تحقیقاتی مخفیانه‌ای را در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی راه‌اندازی کرده‌اند که در این ماجرا، سه برادر همسان را از یکدیگر جدا کرده و هر کدام را به مکانی جدا فرستاده تا مستقل بزرگ شوند. گفته شده بخشی از بودجه این تحقیق را مرکز روان درمانی ملی ایالات متحده برعهده گرفت. جالب است که در سال ۱۹۸۰ سه برادر خیلی اتفاقی با یکدیگر برخورد کردند و هیچ ایده‌ای نداشتند چرا شباهت عجیبی به یکدیگر دارند.

مطبوعات کاشف به عمل آمدند که دیوید کلمن به همراه دو برادر دیگرش در ۲۰ سال گذشته ربوده شده‌اند. یکی از برادرها به اسم ادوارد با داشتن یک دختر و همسر، در سال ۱۹۹۵ در میپل‌وود واقع در نیوجرسی خودکشی کرد.

سر و کله روان‌شناس‌های مسئول این پروژه پیدا شد. پیتر نیوبائر و ویولا برنارد هیچ نشانه‌ای از پشیمانی در مصاحبه با مطبوعات از خود نشان نداده و به عقیده خودشان اهداف و نیت خوبی برای زندگی بچه‌ها در نظر داشتند که آنها را وادار کردند به صورت جداگانه و مستقل زندگی کنند. بر اساس زندگی عجیب و اسفناک این سه برادر، در سال ۲۰۱۸ میلادی فیلمی با نام سه غریبه مشابه (Three Identical Strangers) به کارگردانی تیم واردل اکران شد که جوایز بسیار زیادی را کسب کرده و حتی نامزد ۳ جایزه امی شد!



آزمایش‌های پزشکی نازی‌ها

شاید بدترین و خبیثانه‌ترین آزمایش‌های پزشکی تاریخ را بتوان به جوزف منگل، پزشک آشویتز نیروهای نازی نسبت داد. منگل منتظر بود تا دوقلوهایی از میان اسرا پیدا کند تا روی آنها آزمایش کند. بسیاری از افراد زیر تیغ جراحی جوزف منگل تلف می‌شدند. با این حال او چشمان بیمارانش را برای اهداف نامعلوم از حدقه در می‌آورد.

نازی‌ها اما از زندانیان برای درمان بیماری‌های عفونی نیز بهره‌برداری می‌کردند. آزمایش نازی‌ها متنوع بود و از انداختن زندانیان به یک فضای سر بسته و یخی گرفته تا اتاق‌هایی با فشار کم، چیزی از خباثت این نژاد در زمان جنگ کم نمی‌کند. بر اساس شواهد تاریخی، پزشک‌های نازی پستان‌های یک زن را با نخ و ریسمان بستند تا به این موضوع پی ببرند بچه‌اش تا چه زمانی گرسنگی می‌کشد. پزشک‌ها در کمال ناباوری با تزریق دوز کشنده‌ای از مورفین به طفل معصوم، نوزاد را وادار می‌کرده‌اند تا آستانه تحمل گرسنگی‌اش افزایش یابد.

برخی از پزشک‌ها پس از شکست نازی‌ها در جنگ، به عنوان جنایتکارهای دوران جنگ به مرگ محکوم شدند اما منگل به امریکای جنوبی متواری شد و در نهایت در سال ۱۹۷۹ میلادی در برزیل، بر اثر حمله قلبی درگذشت.



واحد ۷۳۱ ژاپن

در طول دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی، نیروی ارتش سلطنتی ژاپن دست به انجام سلسله تحقیقات بیوزیستی روی شهروندان چینی زده بودند. آمار و ارقام دقیقی از میزان مرگ و میر شهروندها در دسترس نیست اما به نظر می‌رسد این آزمایش ۲۰۰ هزار نفر تلفات داشته است. رسانه نیو یورک تایمز در سال ۱۹۹۵ میلادی این گونه در مقاله‌اش می‌نویسد:

مردم در سطح شهرهای چین به بیماری‌هایی مثل کله‌ه، تیفوئید و طاعون گرفتار شدند. زندانیان در هوای سر و یخ‌بندان رژه می‌رفتند تا سرمازده بشوند و دانشمندان روی درمانشان تحقیق کنند.

شاید بتوان بدترین بخش آزمایش‌ها را در حبس زندانیان درون اتاقک‌ها فشار پایین بدانیم. یک گاز سمی با دوز کشنده‌ای به زندانیان تزریق می‌شده و سپس آنها این وضع را باید درون اتاقک فشار تحمل می‌کردند. در نهایت چون فشار اتاقک با فشار بیرون، تفاوت فاحشی داشته، چشمان فرد از حدقه بیرون می‌زد. پزشک‌ها هم در کمال ناباوری، فرد را زنده زنده تشریح می‌کردند! تایمز ادعا می‌کند که دولت ایالات متحده در زمان جنگ سرد، به خاطر اینکه ژاپن را به اتحاد خود راه بدهد، در پنهان‌سازی این آزمایش‌ها نقش به‌سزایی داشته است.



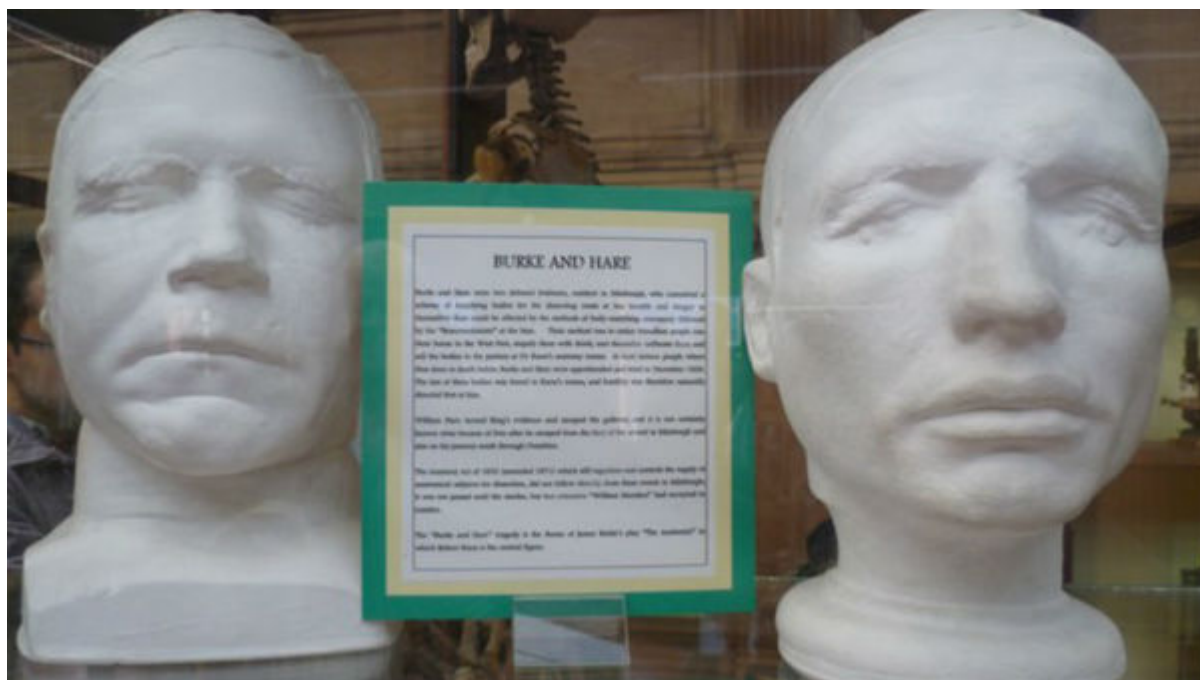
مطالعه‌ای شیطانی

در سال ۱۹۳۹ میلادی، آسیب‌شناس‌های رفتاری، در دانشگاه آیوا قصد داشته‌اند تا فرضیه‌ای را به اثبات برسانند. تئوری که می‌گوید لکنت زبان بچه‌ها به علت اضطرابشان پیرامون تکلم ایجاد می‌شود. متأسفانه رویکرد دانشمندان چندان اخلاقی نبود. آنها یتیم‌ها را برای آزمایش خود، سوژه مناسبی می‌دیدند. محققین به سوژه‌های آزمایشگاهی‌شان می‌گفتند که در آینده نزدیک، لکنت زبان پیدا می‌کنند.

با گپ و گفت پژوهشگران با یتیم‌ها، کم‌کم بچه‌ها به این نتیجه رسیدند که آنها واقعا لکنت زبان

دارند. چرا که دانشمندان مدام به آنها می‌گفتند نباید حرف بزنی، مگر اینکه مطمئن باشی بدون لکنت، حرف از دهانت خارج می‌شود. البته آزمایش نتیجه‌بخش نبود و لکنت زبان در سوژه‌های آزمایشگاهی رخ نداد اما بچه‌های سالم تبدیل به افرادی منزوی، ساکت و مضطرب شدند.

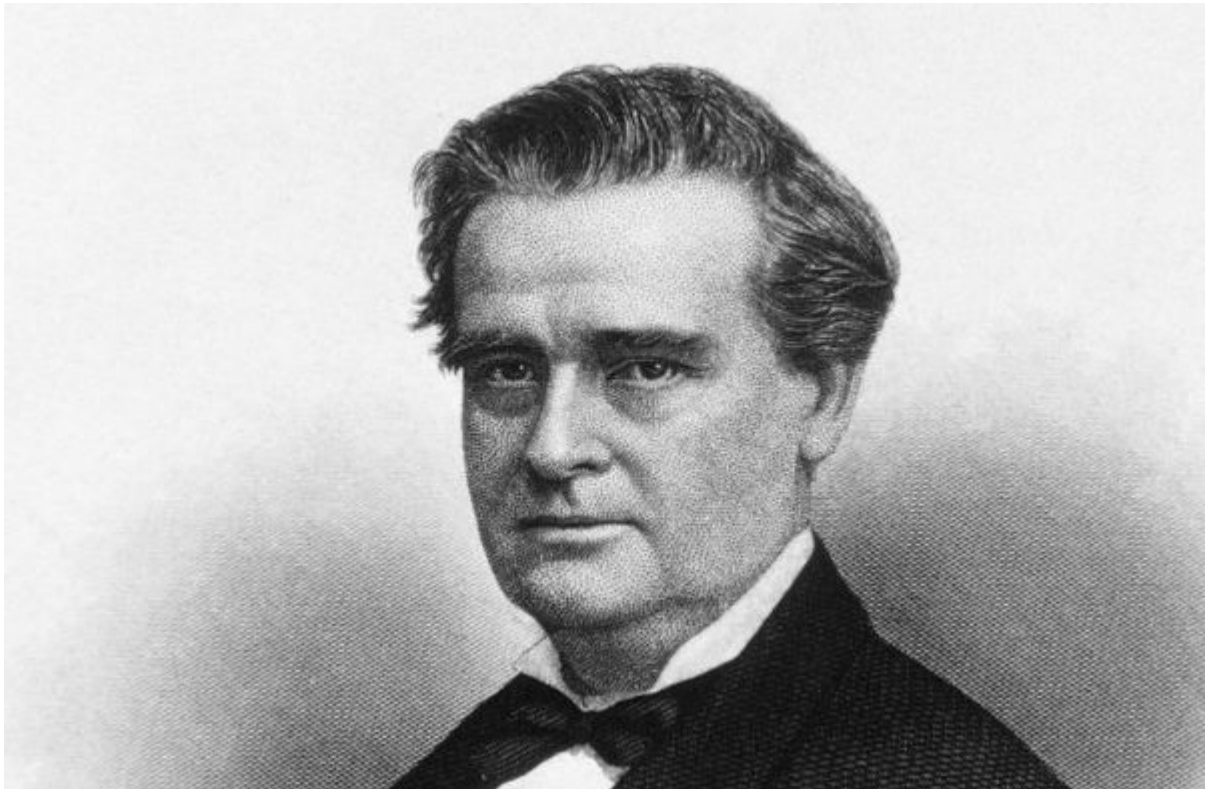
دانش‌آموخته‌های بخش آسیب‌شناسی آیوا به واسطه انتشار مقاله نیو یورک تایمز در سال ۲۰۰۳ میلادی، این آزمایش را یک تحقیق خبیثانه نامیدند. بعدها مشخص شد که سه بچه از این ماجرا جان سالم به در برده و در نهایت آنها توانستند در سال ۲۰۰۷ میلادی از دانشگاه آیوا، مبلغ ۹۲۵ هزار دلار حق غرامت دریافت کنند.



قتل‌های پرک و هیل

تا دهه ۱۸۳۰ میلادی، تشریح اجساد را تنها کالبدشکاف‌ها انجام می‌دادند؛ آن هم اجساد قاتلین، نه هر فردی از جامعه. به همین سبب بسیاری از کالبدشکاف‌ها برای تشریح، اقدام به خرید جسد از رباینده‌های اجساد در بازار سیاه می‌کردند. اگر پول و سرمایه‌ای نداشتند، خودشان برای دزدی اجساد دست به کار می‌شدند!

ویلیام بورک و دوستش ویلیام هیل، صاحب مهمان‌خانه ادینبورگ این اقدامات غیر اخلاقی را یک قدم به جلوتر هدایت کردند. از سال ۱۸۲۷ تا ۱۸۲۸، این دو فرد در اقداماتی هولناک، بالغ بر ده، دوازده نفر از مسافری را خفه کرده و سپس اجسادشان را به آناتومیستی به نام رابرت ناکس می‌فروختند. ناکس هم یا واقعا نمی‌دانست اجساد از کجا سر در آورده یا برایش هیچ اهمیتی نداشت. بورک در نهایت دستگیر شد و به علت جرایم هولناکی که مرتکب شد، به دار آویخته شده و دولت بریتانیا نیز از آن زمان، برای تشریح جسد، حد و مرزهای بیشتری تعیین کرد.



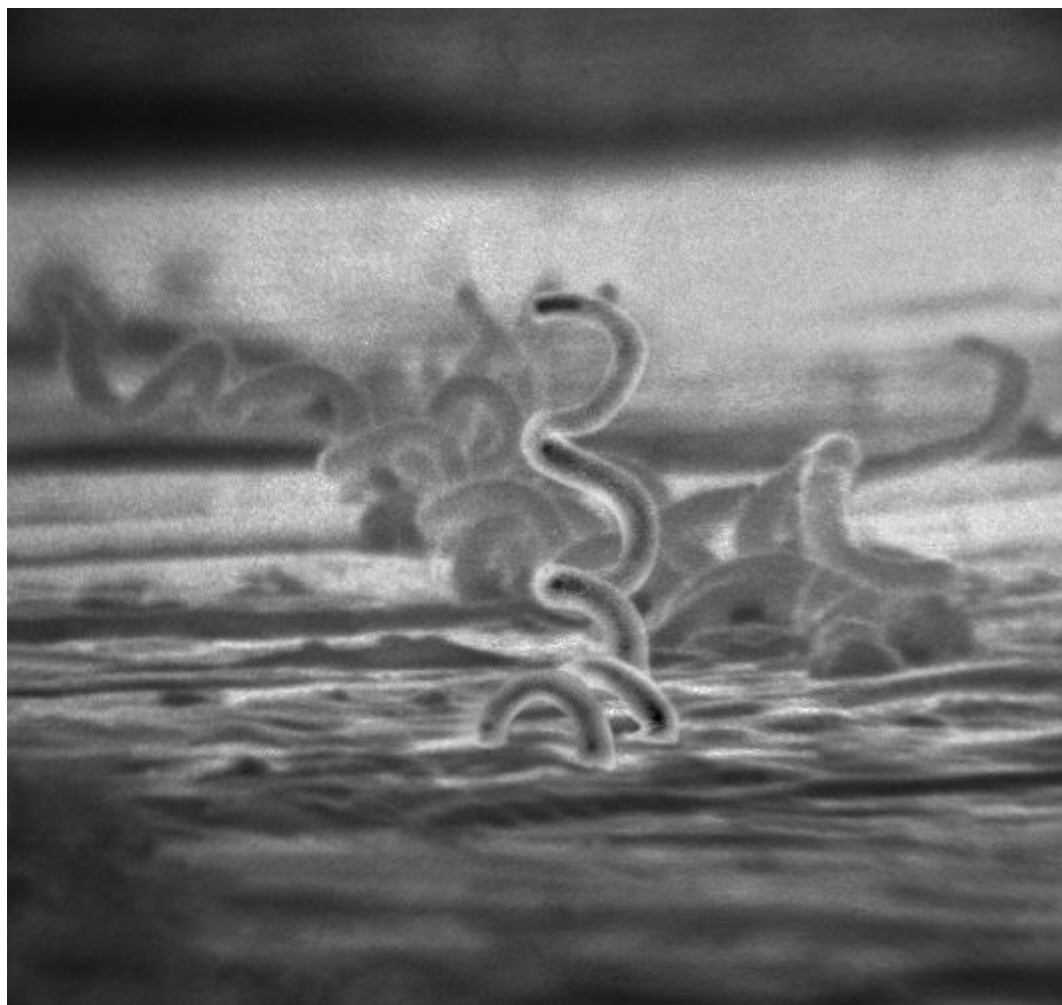
آزمایش‌های جراحی روی برده‌ها

ماریون سیمز، پدر علم امراض زنانه مدرن، بیشتر شهرتش را به واسطه انجام آزمایش‌های جراحی روی برده‌های زن مدیون است. سیمز امروزه چهره بحث‌برانگیز علوم پزشکی به شمار می‌رود. چرا که نحوه و استراتژی درمان او برای بیماری‌هایی مثل فیستول مثانه‌ای-واژنی موجب تجربه درد بسیار زیادی در بیمار می‌شد چون سیمز عمل‌های جراحی‌اش را بدون القای بیهوشی انجام می‌داد.

البته سیمز تا حدودی بی‌تقصیر بود. چون تکنیک‌های بیهوشی در آن زمان تازه در حال باب شدن بود و او برای توجیه کار خود ادعا می‌کرد که عمل‌های جراحی که او انجام می‌دهد، برای بیمار چندان دردناک نیست.

هنوز بحث وجود دارد که آیا بیماران سیمز، همگی با رضایت تن به این جراحی‌ها داده‌اند یا خیر. اگرچه پروفیسور دوررندو اجانوگا، استاد دانشگاه آلاباما در ژورنال *Medical Ethics* در سال ۱۹۹۳ درباره رفتار سیمز می‌نویسد:

رفتارهایش توسط نهادهای برده‌داری سرپوش گذاشته شده تا آزمایش‌های انسانی را انجام دهد. آزمایش‌هایی که با در نظر داشتن هر نوع استنادردی، از لحاظ اخلاقی غیرقابل قبول است.



پژوهش سفیلیس در گواتمالا

بسیاری از مردم به اشتباه باور کرده‌اند که دولت عمدتاً زندانیان را به سفیلیس مبتلا می‌کرده اما در تحقیقات جدید مشخص شده که محققین مرکز سلامت عمومی دست به این کار زده بودند. اما از طرفی دیگر، درست در برهه زمانی میان ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸، فردی به نام روبری پی برده که دولت گواتمالا و ایالات متحده با همکاری یکدیگر، بودجه کلانی برای پژوهش روی زندانیان مبتلا به سفیلیس اختصاص می‌دادند.

هدف اما چه بود؟ دانشمندان تنها می‌خواستند مواد شیمیایی خاصی را آزمایش کنند که آیا جلوی شیوع بیماری را می‌گیرد یا خیر. به همین سبب محققین در اقدام عجیب و ناباورانه، فاحشه‌های آلوده به سفیلیس را در اختیار زندانیان قرار می‌دادند. چرا که سفیلیس، یک بیماری شایع مقاربتی تلقی می‌شود. راه ساده‌تر دیگری نیز برای ابتلا به سفیلیس وجود داشت. محیط کشت باکتری سفیلیس را به زخم باز زندانیان می‌مالیدند.

روبری متوجه شده که پزشک‌ها برای درمان زندانیان، از داروی پنی‌سیلین استفاده می‌کرده‌اند اما از هیچ یک از زندانیان، رضایت‌نامه‌ای مبنی بر درمان با آنتی‌بیوتیک گرفته نشد. در نهایت در یکم ماه اکتبر سال ۲۰۱۰ میلادی، هیلاری کلینتون و کاتلین سبلیوس به ترتیب به عنوان وزیر امور خارجه و وزیر خدمات بهداشت و درمان ایالات متحده در بیانیه‌ای از انجام این دسته از آزمایش‌ها

در ملا عام عذرخواهی کردند.



مطالعه‌ای در شهر تاسکیگی

پژوهشی غیراخلاقی در ایالات متحده در جریان بوده که تا ۴۰ سال، مخفیانه باقی ماند، این پژوهش در شهر تاسکیگی راه‌اندازی شد. در سال ۱۹۳۲ بر اساس گفته‌های مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها ایالات متحده، پژوهشی آغاز شده بود تا اثرات سفیلیس روی انسان مورد بررسی قرار بگیرد. متأسفانه مشارکت‌کنندگان نمی‌دانستند که شرکت در این آزمایش به منزله درمان سفیلیس نیست.

محققین، پیشرفت بیماری را در ۳۹۹ مرد سیاه‌پوست اهل آلاباما دنبال کردند. ۲۰۱ فرد سالم نیز به عنوان گروه کنترل در این آزمایش مدام در حال پایش بود. به شرکت‌کننده‌ها گفته شده که خونشان آلوده است و باید درمان شوند اما در حقیقت بیماران هیچوقت دوز کافی از داروها را دریافت نمی‌کردند، حتی در سال ۱۹۴۷ که پنی‌سیلین به عنوان درمانی برای بیماری سفیلیس انتخاب شده بود. در نهایت به واسطه انتشار مقاله‌ای در روزنامه، آن هم ۴۰ سال پس از این حوادث، بالاخره انجام آزمایش‌ها متوقف شد.



آزمایش زندان استنفورد

فیلیپ زیمباردو، استاد بازنشسته روان‌شناسی دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۷۱ میلادی ایده‌ای جالب به ذهنش رسید. او به دنبال یافتن پاسخی بر این سوال بود: وقتی انسان‌های خوب را در موقعیت‌های خبیثانه قرار دهیم، چه اتفاقاتی رخ می‌دهد؟

او درباره ماهیت و طبیعت بشر کنجکاو بود. به همین سبب زیمباردو پژوهشی عجیب را راه‌اندازی کرد. زیمباردو به دانشجویانش پولی پرداخت می‌کرد تا نقش زندانبان و زندانی را در یک زندان اجرا کنند. آنها در عرض مدت زمان کوتاهی، روح و روانشان ایراد پیدا کرده بود. زندانبان‌ها رفتاری خصمانه و هجومی پیدا کرده بودند. در حالیکه زندانیان منزوی، هیستریکی و افسرده شدند. این آزمایش تنها پس از شش روز تعطیل شد چون هرج و مرجی با سرعت نور در حال شکل‌گیری بود.

نکته جالب اینجاست زندانبان‌ها به خودی خود حالت تهاجمی پیدا نکرده بودند. در گزارشی که سال پیش در «مدیوم» به انتشار رسیده، زیمباردو عامل محرکه قدرتمندی بوده بر نمود رفتار تهاجمی در دانشجویان. عده‌ای از زندانیان نیز به خوبی نقش بازی می‌کردند تا زیمباردو باورش شود که فرضیه‌اش درست است. زیمباردو فرض را بر این گذاشته بود که سیر دگرذیسی انسان از یک فاز مثبت به منفی و بالعکس تحقق یافتنی است.

با اینکه تحقیقات زندان استنفورد از لحاظ اخلاقی درست نبود اما مفاهمی بنیادین جالبی از حیث روان‌شناسی کشف شد. حداقل امروزه می‌دانیم که اگر آدم‌های خوب را در شرایط بد قرار دهیم، احتمال بسیار زیادی وجود دارد که آنها به افراد شرور تبدیل شوند.

